



روزنامه جوان | شماره ۴۷۴۲

**■ محمد رضا کاتبی**

روزهایی که بر ما گذشت، تداعی گر سالروز درگذشت دوست ارجمندم، جناب دکتر صادق طباطبایی است. به همین مناسبت یکی از گفت‌وشنودهای تاریخی خود با وی را که طی آن به‌ باز خوانی وقایع چنین روزهایی در ۲۷ سال پیش پرداخته است، به خوانندگان ارجمند «جوان» تقدیم و رحمت و مغفرت الهی را بپسری آن مرحوم مستلث می‌کنم.

**■ آن روزها یکی از نزدیکان رهبر**

جنابعالی به عنوان یکی از نزدیکان رهبر کبیر انقلاب در دوران نهضت اسلامی و از دولتمردان پس از پیروزی انقلاب، در جریان اغلب رویدادهای منجر به این رویداد مهم و پس از آن هستتید، یکی از فرازهای مهم و مؤثر در نخستین روزهای بیروزی، تصاحب رادیو و تلویزیون توسط انقلابیون بود. از این رخداد چه خاطراتی دارید؟

بسم‌الله‌ال‌حمن‌الرحیم. در پاسخ به جنابعالی باید عرض کنم که در روز ۲۲ بهمن در مدرسه رفاه، صحبت از اهمیت تسلط بر رادیو و تلویزیون به عنوان مهم‌ترین رسانه انقلاب بود. آقای دعبی که از سوی امام امور به حفظ اسناد دولتی، اموال و اماکن عمومی شده بود، از وضعیت ناپنجاری که در رادیو و تلویزیون حاکم بود، بسیار ابراز نگرانی کرد و گفت:گروه‌ها که در آنجا برای خودشان پایگاه ایجاد کرده‌اند!این نگرانی را با آقای دکتر شبیانی و آقای هاشمی‌فسنجانی هم مطرح کرده بود. آقای شاد خدمت‌امام در این زمینه گزارشی ارائه کنیم. بعد آقای قطب‌زاده به رادیو و تلویزیون رفت و مسئولیت آنجا را به عهده گرفت. خدا ایست‌الله طالقانی را رحمت کند. یاد هست خاتم گوینده اخبار، بی‌حجاب بود و دوستان اعتراض کردند:جمهوری اسلامی شده این چه وضعی است؟ آقای طالقانی گفتند:۲۳ سال طول کشید تا حضرت رسول(ص) توانستند احکام اسلام را ز جام به بیان کنند، شما می‌خواهید در ظرف یک روز فرهنگ شاهنشاهی ۲۵۰۰ ساله را تغییر دهید؟» در هر حال در آن ایام مجاهدین خلق و چریک‌های فدایی خلق رادیو و تلویزیون را قبضه کرده بودند و حرف‌هایی از این رسانه پخش می‌شد که در شأن یک حکومت انقلابی و اسلامی نبود. به قطب‌زاده پیشنهاد دادم هر بایامه و خبری که قرار است پخش شود، حتماً او ببیند و امضا کند و من هم متن اخبار را بخوانم. امام آقای مجتهد شبستری را از سوی خود به آنجا فرستادند و با آمدن ایشان، آرامش نسبی بر صد و سیما حاکم شد.

در آن ایام هیئت‌های مختلفی از سازمان‌های آزادی‌بخش هم به تهران سفر می‌کردند. از دیدار آنها با حضرت امام و مسئولان حکومتی مواردی را به خاطر دارید؟

بله، یاسر عرفات و هیئت فلسطینی چهار روز بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به ایران آمدند. نیروی هوایی برای حفاظت از هواپیمای یاسر عرفات و همراهان و استقبال از آنها، چند فانتوم را فرستاد. یاسر عرفات در مصاحبه‌ای که انجام داد، گفت: یک وقتی فانتوم‌ها بر سر ما بمب می‌ریختند و امروز به استقبال ما آمدند!آن روزها بیشتر وقتم در رادیو و تلویزیون می‌گذشت. این هیئت به دیدار امام رفت، یک روز غروب رفتم که سری به مدرسه رفاه بزنم و دیدم آنها در طبقه پایین هستند و مردم هم با اشتیاق آمده‌اند که آنها را ببینند. قبلاً بارها در لبنان در مناسبت‌های مختلف با یاسر عرفات دیدارهایی داشتم و او مرا خوب می‌شناخت. همین‌طور هانی‌الحسن که قرار بود سفیر فلسطین در ایران شود. مردم علاقه زیادی داشتند دربارهٔ نهضت فلسطین اطلاعات بیشتری داشته باشند. همانجا با هانی‌الحسن یک مصاحبه تلویزیونی انجام دادم و دربارهٔ سر‌نوشت امام موسی صدر هم از او سؤالاتی کردم. هیئت فلسطینی در مدتی که در ایران بود به خوزستان و مشهد هم رفت و مردم استقبال عجیبی از آنها کردند. موضوع چالش برانگیزی که در این فاصله مطرح شد، این بود که فلسطینی‌ها مایل بودند در خوزستان و در نزدیکی مرز ایران و عراق کینسلوگری داشته‌باشند. برخی از دولتمردان با توجه به ندهای استقلال طلبی که اقلیت‌های قومی در سراسر ایران، از جمله خوزستان سر داده بودند، به این موضوع بدبین بودند و می‌گفتند:ممکن است خلق عرب به‌رهبری شیخ بشیر خقانی در تشکیلات فلسطینی نفوذ کنند و برای کشور مشکلات فراوانی را به وجود بیاورند. بعدها که جنگ ایران و عراق آغاز شد و یاسر عرفات جانب صدام را گرفت، معلوم شد این افراد در دست پیشانی پنهان بودند و در صورت ایجاد کینسلوگری فلسطین در خوزستان با توجه به مدرسیت دیپلماتیک افرادی که در آنجا کار می‌کردند، خطراتی برای انقلاب پیش می‌آمد.

**به گفت‌وگو با هانی‌الحسن اشاره کردید. ظاهراً از هیئت باهمان ارتباط نزدیکی داشتید؟**
من هانی‌الحسن را از دوره تحصیل در آلمان می‌شناختم. البته او درس ارائه‌کار، ها کرد و برگشت.بعدها از طریق انجمن‌های اسلامی با او و یاسر عرفات ارتباط داشتم. هیئت دیگری که در همان روزها برای دیدار با امام به ایران آمد، هیئت لبنانی به ریاست شیخ مهدی شمس‌الدین بود که در آن زمان معاون مجلس اعلاّی شیعیه بود و همراه با کادر رهبری امل و حر که‌المحرومین در روز ۳۰ بهمن وارد ایران شد. در جلسه ملاقات این هیئت با امام حضور داشتم.امام از محبت آنها در دوران اقامت در فرانسه تشکر کردند و به آنها امیدواری دادند و گفتند:«وضعیت آقای صدر نباید در برنامه‌های آنها خیلی ایجاد کند و نباید یأس به خود راه دهند و مطمئن باشم که جمهوری اسلامی با همه مشکلاتی که پیش رو دارد، لحظه‌ای از لبنان و فلسطین غافل نخواهد بود و سر‌نوشت آنها با سر‌نوشت ملت ما یکی است.»

**ماجراي تشکيل «سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی» چه بود؟ چه زمینه‌ای برای تشکیل این گروه در آن روزها وجود داشت؟**
گروه‌های مسلمانی که در دوره شاه به فعالیت‌های مسلحانه روی آورده بودند –امت واحده، توحیدی صف، فلاح، توحیدی بدر، منصورون، فلق و موحدین –ظاهراً به توصیه آیت‌الله مطهری ادغام شدند و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی را تشکیل دادند. روزی دکتر حبیبی در

وزارت کشور به من گفت:بهترین نهاد برای مقابله با عملیات ایدلایی گروه‌هایی چون مجاهدین خلق و چریک‌های فدایی خلق همین سازمان است!در ابتدا این سازمان و حزب جمهوری اسلامی در مخالفت با سیاست‌های دولت موقت اشتراک نظر داشتند و در بعضی از موارد هم از مرزهای اخلاقی و انصاف و تقوای سیاسی هم عبور کردند.بعدها با انتخاب بنی‌صدر این تنش‌ها به اوج رسید و با عزل او اندکی کمتر شد.

**از چگونگی تشکیل دادگاه‌های انقلاب هم تحلیلی ارائه بفرمایید. این فرآیند را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

آن روزها من و آقای مجتهد شبستری در رادیو و تلویزیون بودیم‌کم که در ۲۷ بهمن سال ۱۳۵۷ خبر اعدام نسیری، ناجی، رحیمی و خسروداد را به ما دادند. برای اینکه موضوع برای مردم توجیه‌شود، تلاش کردیم قضیه مفسد فی‌الارض را بر اساس نص قرآن تبیین کنیم. آقای شبستری متنی را نوشتند و بنده در ساعت ۲ بعدازظهر آن روز و پس از اخبار آن متن را خواندم. آقای خلخالی صدور این احکام را به حکم امام به خودش ربط داده بود. در حالی که تاریخ حکم او پنج اسفند ۱۳۵۷ یعنی چند روز بعد از اعدام این افراد توسط دادگاه انقلاب بود. بنده اظهار نظر درباره صدور احکام مختلف توسط ایشان را درست نمی‌دانم، زیرا امر محوم شده و قدرت دفاع از خود را ندارد. اما اینکه همه امور را به امام منتسب می‌کرد، از نظر بنده درست نبود و نیاز به بررسی‌های جامع‌ی دارد که در صلاحیت من نیست.

**عزیمت امام به قم با سوءبرداشت‌های مختلفی همراه بود. خاطرات شما از آن روزها چیست؟ چه عواملی موجب شد که ایشان چنین تصمیمی بگیرند؟**

امام در ۱۰ اسفند ۱۳۵۷ به قم رفتند و در سخنرانی مهمی در مدرسه فیضیه به نکات دقیقی، به‌خصوص در زمینه خنثی کردن تحریرات عوامل ضد انقلاب اشاره کردند. در آن ایام برخی از مطبوعات تحلیل‌های نادرستی را از عزیمت امام ارائه کردند، از جمله اینکه دولت می‌خواهد به این ترتیب امام را از مرکز دور کند تا دستش برای انجام کارهایی که دلبش می‌خواهد باز باشد و آزادی عمل داشته‌باشد.

**نظر شما در این‌باره چیست؟**

آن‌طور که من می‌دانم بازگشت ایشان به پیشنهاد مرحوم حاج‌احمدآقا و به خاطر سسر و سامان دادن به وضعیت حوزه بود.او فکر می‌کرد که استقرار امام در قم بیشتر می‌تواند به انقلاب کمک کند.

**شما هم همراه ایشان رفتید؟**

خیر، کمی بعد رفتم و پیش‌نویسان قانون اساسی را به

## معارف

کمدو گو، ۸۸۹۸۴۷۹



**«از پیروزی انقلاب تا تأسیس نظام در آئینه خاطره‌ها»**

**در گفت‌وشنود منتشر نشده با زنده‌یاد دکتر سیدصادق طباطبایی**

# جمهوری دموکراتیک‌خلق در فراندوم فقط ۴۱۳ رأی آورد!

خود ادامه دادند و در سراسر ایران مشکلات عدیده‌ای را به وجود آوردند.

یکی از مواردی که به‌خصوص دار و دسته رجوی بر آن تأکید و بدان اصرار داشتن د،احلال ارتش بود. بدیهی است سرن‌گروهک‌ها خیلی خوب می‌دانستند احلال ارتش در امنیت کشور چه اختلال بزرگی ایجاد خواهد کرد و به همین دلیل هم بر اصرار می‌کنند.

**ظاهراً دکتر شایگان هم از امریکا آمده بود و روی انحلال ارتش تأکید داشت…**

ایشان که آمده بود تا به قول خودش رئیس‌جمهور شودا دوستان در قم می‌گفتند به دیدن امام رفته و درباره نامزدی ریاست جمهوری با امام صحبت کرده بود. امام هم در پاسخ گفته بودند:«این کارها از من و شما گرفته‌اند و بهتر است بگذاریم جوانان این امور را به عهده بگیرند.»

**از دیدارهای مستولان با امام و دیدارهای مردمی ایشان بفرمایید. این دیدارها چگونه انجام می‌شدند، با توجه به اینکه این ملاقات‌ها فشرده هم بودند؟**

هیئت دولت و شورای انقلاب هفته‌ای یک بار با امام دیدار داشت. در سایر ایام اگر ضرورت ایجاد می‌کرد با اینام مطلب خاصی از طرف دولت به عرض امام می‌رسید، من می‌رفتم و موضوع را مطرح می‌کردم. دیدارهای مردمی هم که هر روز صبح و عصر دو سه ساعتی با مردم سراسر کشور صورت می‌گرفت. البته دوری امام از تهران این مشکل را ایجاد کرده بود که وقتی گزارشی خدمت ایشان ارائه می‌شد، زمان می‌برد تا صحت و سقم آن برای ایشان روشن شود و ذهن امام سخت درگیر مطالب شد و نقیض می‌شد. در هر حال مدت اقامت امام در قم طولانی نبود و ایشان را به خاطر ناراحتی قلبی به تهران آوردیم و بعد هم که در تهران ماندند.

**یکی از مهم‌ترین مسائل چالش برانگیز روزهای آغازین انقلاب اسلامی موضوع امنیت در سراسر کشور بود که به خاطر فعالیت گروهک‌های ضد انقلاب به‌شدت در معرض تهدید قرار گرفته بود. برای این مسئله چه تدابیری اندیشیده شد؟**

همین‌طور است. هنوز خیلی‌ی از پیروزی انقلاب اسلامی نگذشته بود که اجزایی چون حزب توده، مجاهدین خلق، چریک‌های فدایی خلق و… در نشریات خود ادعاهای عجیب و غریبی را مطرح و در سراسر کشور درگیری‌هایی را ایجاد می‌کردند. آنها مردم را به راهپیمایی و ادامه اعتصاب‌ها تشویق و سعی می‌کردند آنها را در مقابل امام قرار بدهند. یادم هست در زمانی که امام در مدرسه رفاه بودند، نزدیک غروب بود که به امام گفتند:چریک‌های فدایی خلق به ظرف مدرسه رفاه راه افتاده‌اند و می‌خواهند با امام دیدار کنند و امام نپذیرفتند. گروه‌ها به فعالیت‌های



طول می‌کشد.» من مطلب را از طریق احمد آقا به امام منتقل کردم و ایشان گفتند:«با تجربه‌ای که از انجمن‌های اسلامی اروپا دارید، به وزارت کشور بروید و این کار را به سامان برسانید.»
گفتم:«من که نمی‌تونم فردا صبح بروم و به وزیر کشور بگویم آمده‌ام فراندوم را بر گزار کنم.» احمد آقا گفت:«خودم ترتیب این کار را می‌دهم» و حرف مرا به امام منتقل کرد. امام فوق‌العاده با درایت بودند. آن شب به قم رفتم و وضعیت کشور را برای امام شرح دادم و بار دیگر تأکید کردم:«همه مردم و حتی همه دنیا شما را به عنوان رهبر انقلاب اسلامی به رسمیت می‌شناسند. در چنین شرایطی چه نیازی به فراندوم‌هست؟ تردید ندارم اگر شما جمهوری اسلامی را اعلام کنید، اکثریت قاطع مردم قبول می‌کنند.» امام گفتند:«شما الان متوجه نمی‌شوید. ۵۰سال که بگذرد خواهید گفت اینها با سوء استفاده از احساسات مردم نظر خود را به آنها تحمیل کردند. قطعاً باید فراندوم شود تا میزان موافق و مخالف جمهوری اسلامی تعیین شود.»

وقتی به تهران برگشتم، آقای صدر حاج‌سید جوادی تلفن زد و مرا به وزارت کشور دعوت کرد. من همراه دکتر حبیبی به دیدن ایشان رفتم و در آنجا پس از کمی صحبت ایشان مرا به معاونت سیاسی – اجتماعی و دکتر حبیبی را به معاونت اداری و عسمران منصوب کرد و هر دو در وزارت کشور شروع به کار کردیم. او اسفند بود که

احمد آقا گفت:«امام اصرار کرده‌اند فراندوم باید هر چه زودتر برگزار شود.» پرسیدم:«زود یعنی کی؟»
جواب داد:«یعنی ظرف همین روزهای آینده.»
گفتم:«برگزاری چنین کاری تشکیلات مفصل می‌خواهد. الان پاسبان‌ها جرئت نمی‌کنند سر چهارراه‌ها بایستند و نظم یک خیابان را برقرار کنند. چطور می‌توانند کاری به عظمت فراندوم سراسری را اداره کنند؟»
به قم رفتم و این مطلب را به اطلاع امام رساندم. ایشان گفتند:«فکر کنید دارید انجمن‌های اسلامی را اداره می‌کنید.»

**و نهایتاً متقاعد شدید که باید این کار را انجام دهید. اینطور نیست؟**

بله، در هر حال آقای صدر حاج‌سید جوادی به من گفت:اولویت کارتان را روی برگزاری فراندوم بگذارید.
گفتم:تلاش خود را می‌کنم، ولی این تأکید و بدان اصرار داشتن د،احلال ارتش بود. بدیهی است سرن‌گروهک‌ها خیلی خوب می‌دانستند احلال ارتش در امنیت کشور چه اختلال بزرگی ایجاد خواهد کرد و به همین دلیل هم بر اصرار می‌کنند.

**ظاهراً دکتر شایگان هم از امریکا آمده بود و روی انحلال ارتش تأکید داشت…**
ایشان که آمده بود تا به قول خودش رئیس‌جمهور شودا دوستان در قم می‌گفتند به دیدن امام رفته و درباره نامزدی ریاست جمهوری با امام صحبت کرده بود. امام هم در پاسخ گفته بودند:«این کارها از من و شما گرفته‌اند و بهتر است بگذاریم جوانان این امور را به عهده بگیرند.»

استادهای انتخاباتی وزارت کشور در سراسر ایران را به عهده بگیرند. قرار شد سه نفر در تهران بمانند و بقیه به مراکز استان‌ها بروند. اداره ستاد مرکزی شهرستان‌ها هم به انمه جمعه که مورد اعتماد احمد آقا بودند، سپرده شد. حدود ۱۲۰اسفند بود که ستاد فراندوم کل کشور تأسیس شد. چپی‌ها و مجاهدین در به راه‌انداختن موج اعتراضات علیه استاندارانی که تازه به محل کار خود اعزام شده بودند، نقش اصلی را داشتند.اوضاع اشتعالی بود و سازمان منظمی برای برگزاری انتخابات در این سطح وسیع وجود نداشت.

بنده به‌سبک انجمن‌های اسلامی آیین‌نامه اجرائی فراندوم را تدوین و برای تصویب به شورای انقلاب رفتم. پس از آن همراه با چند تن از دولت‌نندگان کاران ستاد مرکزی فراندوم خدمت امام رفتم و در آنجا روز برگزاری انتخابات تعیین شد. ما به‌شدت نگران بودیم، اما امام گفتند مردم ما مردم نجیبی هستند و همگی کمک خواهند نمود. نگران تحركات ضد انقلاب هم نشایید. هر جا هم به مشکل برخوردید به من بگویید.

**نحوه سؤال از مردم در فراندوم چطور مشخص شد؟ آیا امام در این‌باره نظر خاصی داشتند؟**

در مورد موضوع فراندوم نظر اسام این بود که سؤال شود جمهوری اسلامی آری یا نه؟
قرار شد قسمتی از بر که رای به رنگ سبز و قسمتی به رنگ قرمز باشد و هر کسی بر اساس آری و نظر خود آن قسمت را جدا کند و در صندوق بیندازد. جبهه ملی و مجاهدین خلق اصرار داشتند کلمتای چون دموکراتیک یا خلق به جمهوری اسلامی اضافه شود، اما امام مؤکداً گفتند جمهوری اسلامی، نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد.

**به نقش کمیته‌های انقلاب اسلامی در فراندوم هم اشاره‌ای داشته باشید.**

پس از هر انقلابی آشننگی‌هایی در وضعیت امنیت شهرها به‌وجودمی‌آید. بدیهی است پس از پیروزی انقلاب اسلامی هم با توجه به فعالیت‌های گسترده گروهک‌های مختلف، موضوع امنیت شهرها

اولویت خاصی داشت. برای ایجاد امنیت و نظم قرار شد با روحانیونی که مسئولیت کمیته‌های دوازده‌گانه انقلاب اسلامی در تهران را به عهده داشتند، جلسه‌ای تشکیل بدهیم، مخصوصاً که حفظ نظم در برگزاری فراندوم هم مطرح بود. با توجه به نارضایتی مردم از شهربانی و ژاندارمری شاه و بدبینی آنان نسبت به مأموران این دو نهاد، قرار شد روحانیون وائمه‌جماعات از طریق مساجد و ایراد سخنرانی مردم را توجیه کنند که بگذارند مأموران انتظامی به سر کار خود برگردند. اولین تغییری که باید ایجاد می‌کردیم، تغییر اونیفورم مأموران بود که با وجود هزینه گزاف آن هم در اوایل کار، موقت ناچار بودیم انجام بدهیم تا مردم مأموران را در لباس‌های جدیدشان بپذیرند و بتوانیم نظم را به جامعه برگردانیم.

**از برگزاری فراندوم می‌گفتید.**

در فاصله برنامه‌ریزی برای برگزاری فراندوم تا روز انتخابات بحران‌های زیادی به وجود آمدند، مخصوصاً بحران کردستان که سخت‌مرا نگران کرده بود. رادیو بی.بی.سی دائماً اعلام می‌کرد:کردهای استقلال طلب در فراندوم شرکت نمی‌کنند، مگر اینکه وضعیت حقوقی جدایی‌طلبن مشخص و خواسته‌های آنها توسط امام و دولت تأیید شود. در روز انتخابات اغلب صندوق‌ها و برگ‌های اخذ در راه‌ها و روستاها توسط شورشیان به غارت رفت! ما ناچار شدیم تعرفه‌های جدیدی را ارسال کنیم.

**در زمینه توجیه مردم درباره شرکت در انتخابات، چه اقداماتی انجام دادید؟ ظاهراً در این‌باره مصاحبه‌های شما بسیار مؤثر بود؟**

بله، از جمله اقداماتی که انجام دادم، برنامه زنده پس از خبر شب بود که طی آن، به سؤالات مختلفی که برای مردم مطرح بود پاسخ می‌دادم. یادم هست در شب اول بر که رای را نشان دادم و گفتم:کسانی که با جمهوری اسلامی موافق هستند قسمت سبز و مخالفان باید قسمت قرمز را به صندوق بیندازند. امام توصیه‌اکید کرده بودند که در صحبت‌هایم روی این نکته تأکید کنم که حکومت اسلامی و جمهوری اسلامی با یکدیگر تفاوت دارند و آن‌شاه‌الله حکومت اسلامی را ولی‌عصر(عج) برقرار خواهند کرد. نکته دیگری که باز هم درایت منطقی امام را نشان می‌دهد این است که وقتی عده‌ای اعتراض کردند که چرا باید فقط یک گزینه مطرح باشد، امام فرمودند:اعلام کنید کسانی که موارد دیگری مد نظرشان هست آن را پشت برگ قرمز بنویسند. نتیجه این تدبیر



امام این شد که جمهوری دموکراتیک فقط ۴۱۳ رأی آورد!

**با اجازه فراندوم در روز برگزاری آن، چگونه انجام شد؟چه میزان از پیش‌بینی‌های شما تحقق پیدا کرد؟**

در هر حال فراندوم در روز ۱۰ فروردین سال ۱۳۵۸ با شکوهی بی‌نظیری انجام شد و مردم از صبح سحر برای دادن رأی صف کشیدند. خیلی‌ها اولین بار بود که در رأی‌گیری شرکت می‌کردند. میزان مشارکت مردم به حدی بالا بود که با اجازه امام انتخابات را ۲۴ ساعت تمدید کردیم. متأسفانه به‌رغم تلاش‌های فراوانی که کردیم، گروهک‌ها ایجاد اغتشاش نگذاشتند انتخابات در شهرهای سنندج، سقز، مهاباد، گنبد و ترک‌صحرا انجام شود. نکته جالب این است که امیرعباس هودا هم در زندان خواسته بود رأی بدهد و به جمهوری اسلامی رأی آری داده‌برغم اینکه در بعضی از شهرها رأی‌گیری انجام نشد و به بعضی‌ا از نقاط هم بر که رأی نرسید، اما تخمین‌های من نشان می‌داد ۹۴ درصد واجدین شرایط در فراندوم شرکت کرده‌اند که در تاریخ کشور ما امری سابقه‌ای بود. شبانه برای دادن گزارش به امام به قسم رفتم. دیر وقت بود و به توصیه خواهرم نزدیکی‌های سحر خدمت امام رفتم و به ایشان گفتم:«تصور نمی‌کنم دیگر در تاریخ چنین نتایجی در فراندومی به دست بیاید و با وجود تشکیلات ناقص گروهک‌ها و معاندین انقلاب، ۹۴ درصد مردم در انتخابات شرکت کرده و ۹۸/۲ درصد به جمهوری اسلامی رأی داده‌اند. ضمناً ۴۱۲ یا ۴۱۳ نفر هم به جمهوری دموکراتیک خلق رأی داده‌اند.» امام با شنیدن گزارشم لبخند رضایتی زند و پس از نماز صبح پیامی را خطاب به مردم نوشتند و به من دادند و شادمان از اینکه توانسته بودم این وظیفه مهم را به‌درستی انجام بدهم و موجب رضایت خاطر امام رفاه‌فرم آورم، به تهران بازگشتم تا پیام امام را از رادیو و تلویزیون اعلام کنم که آن هم داستان مفصلی دارد.